مصر

جمعیت ، ترکیب و پراکندگی آن

براساس گزارش سازمان مرکزی آمار مصر، جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۵ به بیش از ۶۱ میلیون نفر رسیده بود،که حدود ۵۸ میلیون و ۲۵۹ هزار نفر از این جمعیت در داخل و ۲ میلیون و ۴۹۹ هزار نفر در خارج از کشور زندگی می کردند. در سال ۱۹۹۹ تعداد خانواده ها به ۱۲ میلیون و۷۰۲ هزار خانواده و تعداد افراد متوسط افراد یک خانواده به ۴/۹۸ نفر می رسید که در سال ۲۰۰۱ ، این رقم به ۴/۶ نفر رسیده است ، طبق آمار مرکز جمعیتی آمریکا، تعداد جمعیت مصر سال ۲۰۲۵ به ۹۷/۴ میلیون و در سال ۲۰۵۰ به ۱۱۷ میلیون نفر خواهد رسید و این به معنای قرارگرفتن مصر در میان ۱۵ کشور پرجمعیت جهان خواهد بود.

طبق آمار رسمی در سال ۱۳۸۰ هـ ش، مصر در رده ۱۷ جمعیتی جهان قرار داشته و حدود ۱/۱ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است.

۵۱/۱۷٪ جمعیت این کشور را مردان و ۴۸/۱۳٪ را زنان تشکیل می دهند . عمر متوسط مردان ۶۷ و عمر متوسط زنان ۶۹ سال است.

از نظر پراکندگی جمعیت در مصر ، ۴۷ درصد در شهرها ۵۲ درصد در روستاها اسکان دارند و ترکیب سنی آن نیز بدین قرار است که ۷۵ درصد بین ۶ تا ۶۵ سال ، ۲۰ درصد زیر ۶ سال و بقیه بالای ۶۵ سال دارند. ۸۲ درصد از مصریهای از ۶ سال به بالا در سنین فعالیتهای اقتصادی هستند که ۲۸ درصد آنان در بخش صنعتی و تجاری مشغول کار می باشند و ۴۵ درصد نیز در بخش کشاورزی و صیادی بکار مشغولند . ۷درصد فعالین بخش اقتصادی را زنان تشکیل می دهند . مشارکت

زنان در بخش دولتی در سال ۲۰۰۰ به یک میلیون و ۳۳۵ هزار نفر رسید که ۳۱٪ درصد کارمندان دولت را تشکیل می دادند. ۴۱٪ در صد زنان نیز در بخش کشاورزی فعالیت می کنند که این رقم در مناطق روستایی به ۶۷٪ هم می رسد.
در بعد فرهنگی ، طبق آمار در سال ۱۹۸۶ نسبت بی سوادی ۴۹/۴٪ بوده است که در سال ۲۰۰۰ به ۳۳/۶٪ کاهش یافته است.

رشد جمعیت

میزان رشد جمعیت در سالهای اخیر کمتر از سالهای گذشته بوده است: در سال ۱۹۷۹ رشد آن برابر ۲/۴۳ درصد بوده که در سال ۲۰۰۱ به حدود ۲۱٪ رسیده است . بدین ترتیب هر ساله یک میلیون و سیصد هزار نفر به جمعیت مصر افزوده می شود. گزارش سازمان مرکزی آمار مصر نشان می دهد که هم اکنون روزانه ۳۶۷۹ نفر و هر ماه ۱۱۳ هزار نفر به جمعیت مصر افزوده می شود. تراکم جمعیت ، بیش از ۶۳ نفر در هر کیلومتر مربع است که این میزان در منطقه دلتای نیل بالاترین حد خود را دارد.

نژاد

مردم مصر از قرنها پیش ، یعنی از زمان فراعنه عمدتا سفیدپوست و از نژادهای (مصری، بدوی[1] و نوبه ای[2]) بوده و در قسمت صحرایی غرب و شرق دره نیل از نژاد مدیترانه ای خالص می باشند. اما در دره نیل نوعی از مردم بومی هم زندگی می کنند که از ترکیب نژادهای نواحی مختلف بوجود آمده اند . مردم روستایی مصر از صحرانشینان و ازنظر جثه بزرگ می باشند و رنگ چهره آنها ممزوجی از چهره گندمگون اعراب سوری و فلسطینی و چهره تیره سودانی و اتیوپیایی است. در حقیقت نژاد مردم مصر « سامی »[3] می باشد؛ ولی می توان گفت که در این کشور یک نوع از نژاد بوجود آمده که در اصل مدیترانه ای است، اما به مقدار زیاد از شرایط بومی تاثیر گرفته است.

مهاجرت

حدود ۲/۵ میلیون نفر از جمعیت مصر برای اشتغال بکار به خارج از کشور مهاجرت کرده اند که اکثر آنها در کشورهای عربی و همجوار و خصوصا در کشورهای حوزه خلیج فارس سکنی دارند. تعدادی هم به دیگر کشورها و از جمله کشورهای اروپایی و آمریکایی رفته اند . طبق ارقام مرکز آمار مصر، تعداد دانشمندان مصری مقیم خارج از کشور حدود ۴۵ هزار نفر است که ۱۱۶۰ تن دارای تخصصهای نادری همچون مهندسی اتمی ، علوم لیزری، ژنتیک و زمین شناسی هستند . براساس همین گزارش ، تعداد مهاجرین دائمی از مصر در طول ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ به ۳۲ هزار نفر از دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترا رسیده است . (روزنامه الاحرار مورخ ۱۳۸۰/۱/۳)

سابقه تاریخی تشکیل جمعیت

---

1. Badavy
2. Nobey
3. Samy

۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و در عصر نوسنگی ، مهاجران آسیایی به سرزمین مصر سفلی (در شمال) وارد و در این سرزمین ساکن شدند. کمی بعدتر گروه دیگری در مصر علیا (جنوب مصر) سکنی گزیدند . اگرچه اجداد هر دو گروه از آسیای جنوب غربی آمده بودند؛ ولی به احتمال قوی آنهایی که در دلتای رود نیل جایگزین شده بودند از برزخ سینا عبور کرده و آن دسته دیگر که به مصر علیا آمده بودند از طریق دریای سرخ و مناطق آفریقای شرقی خود را بدانجا رسانده بودند. این اقوام با نظر به قدمت تاریخی مصر، کمی پیش از میلاد مسیح در این کشور ساکن گردیدند . تاریخ قدیم مصر به دو عصر اساسی تقسیم می شود: عصر فرعونی که حدود ۳۰۰۰ سال طول کشید و به ۳۰ خانواده تقسیم شده است و عصر یونانی – رومانی که آن هم حدود هزار سال طول کشیده است .

اقوام و نژادها و روابط آنها

نژادهای مختلف در مصر وجود ندارند مسائل فرهنگی و محلی با کمی تغییر اقوام مختلف را از هم متمایز می سازد . بافت جمعیتی در مصر روستایی و شهری است که وجه تمایز آنرا فرهنگ روستا (تا اندازه ای دست نخورده) مشخص می کند. همچنین شهرهای دوراز مرکز تا اندازه ای همچنان متاثر از فرهنگ بومی مربوط به خود می باشند . لذا مردم مصر با یکدیگر روابط عاطفی خوبی دارند و در کنار یکدیگر بدون مشکل زندگی می کنند . زبان وخط طبق قانون اساسی آن کشور عربی است و زبان انگلیسی و فرانسوی هم رایج است.

جغرافیای سیاسی

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

جمهوری عربی مصر از لحاظ وسعت ، موقعیت جغرافیایی، تعداد جمعیت و پیشرفت نسبی مهمترین کشور عربی و از نظر تاریخی از جمله کشورهای کهن و تاریخی است . حکومت فراعنه به حدود ۳۰ قرن قبل از میلاد باز می گردد که بعد از آن دوره ، ایرانی ها ، یونانی ها، رومی ها و اعراب بر این سرزمین حکومت کرده اند. فرهنگ مصر فرهنگی اسلامی و غنی است واز زمانهای قدیم اندیشمندان بسیاری در معروفترین دانشگاه مصر (دانشگاه الازهر) به تحصیل و تدریس مشغول بود ه اند. دانشگاه الازهر که در زمان فاطمی ها ایجاد شده است، در نضج و اعتلای اسلام اهتمام ورزیده و مبلغان و علمای کثیری را تربیت و به دنیای اسلام عرضه کرده است.

مصر از معدود کشورهای عربی است که اقتصاد آن نسبت به دیگر کشورهای عربی و آفریقایی پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته است. اکثر جمعیت مصر کشاورز می باشند که در دره و یا دلتای نیل یعنی مناطق قابل کشاورزی مصر زندگی می کنند. دولت اخیرا اقدام به حفر و احداث کانال در جنوب صحرای سینا و جنوب مصر نموده تا از صحراهای لم یزرع هم بهره برداری کشاورزی شود که در صورت تکمیل این دو کانال، حدود ۲۵٪ خاک مصر به زیر کشاورزی می رود.

از ویژگیهای خاص این کشور همجواری با کشور سودان می باشد. رود نیل تنها منبع آب کشاورزی و نیز آشامیدنی مصر، از سودان می گذرد . این دو کشور با کمک هم اقداماتی در رابطه با پروژه های سد سازی بر روی این رود واستفاده از آب آن برای مصارف کشاورزی انجام داده اند . به همین دلیل مصر و سودان در ادوار گذشته مکمل یکدیگر بوده و پیوستگی تاریخی و اقتصادی وفرهنگی دو کشور به حدی است که طی یکصد سال اخیر اثرات آن بطور اجتناب ناپذیری خودنمایی می نماید.

همجواری مصر با دریای سرخ و همسایگی با کشورهای لیبی ، سودان، مغرب و فلسطین اشغالی و نیز فرازهای فرهنگی ، اقتصادی و حرکتهای سیاسی چند دهه گذشته مصردر منطقه و استراتژی خاص ناصر و دولتهای بعد از او تنش ها و تاثیراتی را در منطقه بوجود آورده است . از جمله صلح مصر و اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی توسط انورسادات رئیس جمهور وقت مصر باعث گردید که مصر از جامعه عرب طرد و اخراج گردد. اما پی آمدهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بحران دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت) و موضع اتخاذ شده توسط مصر و تغییر شرایط منطقه ای و بین المللی ، باعث شد تا موقعیت بازگشت مصر به صحنه عربی اسلامی فراهم گردد، ودیگر بار مصر به یکی از مهمترین مراکز تصمیم گیری سیاسی در منطقه تبدیل شود.

نقش تعیین کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

یکی از مهمترین عوامل نقش آفرین برای مصر از عوامل طبیعی و جغرافیایی، کانال سوئز است. اگر چه این کانال در زمان در زمان (۱۹۵۶) ملی اعلام گردید ؛ اما وجود آن در خاک مصر یکی از بارزترین عوامل تعیین کننده نقش جغرافیایی برای این کشورمحسوب می شود.

همچنین موقعیت جمعیتی ، جغرافیایی و شرایط اقلیمی مصر سبب شده تا این کشور در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا نقش مهمی ایفا نماید . وجود شهرهای قدیمی در این کشور مانند قاهره و اسکندریه بدان اهمیت ویژه ای بخشیده است از دیگر ویژگیهای مهم مصر قرار گرفتن این کشور در منتهی الیه شمال شرقی آفریقا است که قاره آفریقا را به قاره آسیا وصل می نماید و درواقع پل ارتباطی بین آسیای غربی و آفریقا و مدیترانه می باشد .

از دیگر مشخصه های عمده مصر، رود نیل است که به گفته مردم این کشور ، رگ حیاتی این کشور محسوب شده و بر بسیاری از جنبه های زندگی مردم از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و حتی نظامی تاثیر گذاشته است. (به گفته هیرودوت مورخ یونان باستان، مصر « هدیه نیل» است.)

ادیان و مذاهب

تاریخچه رشد هر یک از ادیان و مذاهب

در حال حاضر دین رسمی کشور مصر اسلام و اکثریت مردم (حدود ۹۴٪) پیروان آن می باشند اما در مورد تاریخچه سایر ادیان در مورد باید گفت:

پس از فتح مصر توسط اسکندر در سال ۳۳۲ قبل از میلاد و سپس تشکیل دولت «بطالمه» درمصر که حدود۳ قرن در این کشورحکومت کردند، دراواسط قرن اول میلادی (۵۴- ۶۸م) و در زمان حکومت نرون، امپراطور مشهور، قدیس مرقس رسولی مسیحیت را در اسکندریه تبلیغ کرد ولی با فشار شدید رومی های بت پرست و شکنجه و آزار تازه مسیحیان سوی ایشان مواجه شد . بعد از وی که موسس کلیسای مصری یا قبطی محسوب می شود و در سال ۶۸ میلادی کشته شد تاکنون ۱۱۶ پاتریاک و کشیش، براین طایف ریاست مذهبی داشته اند که آخرین آنها پاپ شنوده[1] سوم است که از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱ به این مقام رسیده است .

با حضور مسلمین در مصر در سال ۶۴۰ م (به فرماندهی عمرو بن عاص)، مصریها به دین اسلام درآمده و از ابتدای قرن ۱ میلادی، مسیحیان در مصر بصورت اقلیت درآمدند . مسیحیان مصری از مسیحیان شرقی محسوب می شوند و در ضمن

---

[1] . Pop shenode

کلمه EGYPT که نام لاتین کشور مصر است از کلمه «القبط» گرفته شده است. از میان قبطی های مصر، تعداد قبطی های انجیلی این کشور به حدود ۷۵۰ هزار نفر می رسد.سایر ادیان مانند یهودیان ومذاهب دیگر،تعدادشان در مصر بسیار اندک است.

سیاست مذهبی

دولت فعلی مصر از سیاست سکولاریسم[1] (غیرمذهبی) پیروی می کند و هر چند دولتمردان مصر اعلام می دارند که اسلام مبنای قانونگذاری در این کشور است اما در عمل چندان پایبندی به مذهب در ایشان دیده نمی شود. در چند دهه گذشته تشکیلات مذهبی مصر (الازهر) در مسائل سیاسی عموما همسو با حکومت بوده و مواضع دولت را مورد تایید قرار داده است(طبق قوانین از چند سال گذشته، شیخ الازهر و مفتی این کشور به طور مستقیم از سوی رئیس جمهور انتخاب می شوند).

روابط پیروان ادیان و مذاهب مختلف در مصر

به رغم اینکه مسلمانان حدود۹۵ درصد و مسیحیان ۵ درصد جمعیت مصر را تشکیل می دهند، سوابق تاریخی نشان می دهد که مسلمانان با دیگر مذاهب و خصوصا قبطی ها در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته و به حقوق یکدیگر احترام می گذارند و بسیاری از عادات این دو دیانت الهی ، در میان امت مقابل دیده می شود.

آداب و سنن مذهبی و میزان پایبندی مردم به مذهب

هنگامی که در سال ۶۴۱ م مصر به تصرف مسلمانان درآمد، تعالیم اسلامی در مصر با فرهنگ این منطقه آمیخته شد. از این رو تبلور فرهنگ اسلامی در مراسم مختلفی که مردم مصر برپا می دارند، مشهود می باشد . بزرگداشت مناسبت های اسلامی، بر پایی نمازهای جماعت و جمعه ، در تمامی مساجد حتی در خیابان ها، در شهرها و روستاها با شکوه خاصی برگزار می شود دلیل بر این مدعاست. حلول ماه مبارک رمضان، نماز عید فطر و جشن میلاد پیامبر (ص) همه ساله با تشریفات خاصی انجام می شود. همچنین نظر به علاقه شدید مردم مصر به ائمه اطهار، میلاد امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) و حضرت نفیسه خاتون (نوه امام حسن مجتبی) را با شکوه تمام جشن می گیرند. از دیگر ویژگی های مردم مصر پایبندی آنان به قرائت قرآن کریم است. در این راستا جلسات قرائت قرآن تقریبا هر روز در مساجد قاهره به ویژه مساجدی که در جوار مرقد حضرت زینب (س) و مقام راس الحسین (ع) قرار دارند، برپا می گردد. لازم به ذکر است که موارد دیگری از مقامات و مقابر مشهور اهل بیت و اصحاب علیهم السلام، همچون رقیه بنت علی، سکینه بنت الحسین، مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، محمد بن حنیفه ، زید بن علی بن الحسین(ع) و ... در شهر قاهره قرار دارد و مراسم مذهبی در آنها انجام می شود. قبطی ها[2] هم مراسم مذهبی خود مثل عید پاک و سایر اعیاد را طبق عادات و رسوم خود برگزار می نمایند.

---

[1]. Secularism
[2]. Ghabty

حوزه های دینی و رهبران مذهبی

طلاب علوم دینی در مدارس و مساجدی که به این امراختصاص یافته به فراگیری آموزش های اسلامی مشغولند. اما مهم ترین حوزه دینی در مصر، مسجدالازهر می باشد که در قلب قاهره قدیم و در کنار مسجد راس الحسین (ع) قرار دارد. این مسجد که از کهن ترین و قدیمی ترین دانشگاه ها در جهان اسلام محسوب می شود، در سال ۳۶۱ ه (۹۷۵ م) توسط جوهر صقلی فرمانده فاطمی ساخته شده و در طول زمان، بارها مورد ترمیم و بازسازی قرار گرفته است.

در حال حاضر این دانشگاه دارای ۲۵ هزار دانشجوی خارجی دختر و پسراز حدود ۹۴ کشور جهان است که برخی با هزینه خود و بعضی با هزینه و بورسیه الازهر در آن مشغول به تحصیل هستند. در سطح داخلی نیز این دانشگاه با داشتن حدود ۶ هزار مرکز دانشجویی، حدود ۱/۵ میلیون دانشجو را در رشته های مختلف جذب کرده است. در الازهر استادان معروف و علمای برجسته، رشته های مختلف علمی و دینی را تدریس می کنند. در حال حاضر مقام عالی دینی الازهر«شیخ الازهر» دکتر سید محمد طنطاوی است که تمامی مراکز فقهی و علمی الازهر از جمله دانشگاه را تحت اشراف دارد.

روند تاثیر و ترویج مذاهب

با ورود اسلام به کشور مصر و پذیرش آن از سوی مردم این کشور، دین مبین اسلام به تدریج در کل جامعه مصر استقرار یافت و در عرصه های مختلف حیات آن نفوذ کرد؛ بنحوی که اکثریت مردم مصر پیرو اسلام شدند. وظیفه ترویج مذهب اسلام بر عهده الازهر وعلمای آن که در آغاز آنرا مسجد قاهره می خواندند، قراردارد.

الازهر در طول تاریخ خود با فراز ونشیبهای گوناگون روبرو بوده و در دوره های مختلف نقش های متفاوتی در صحنه های مذهبی ، سیاسی، اجتماعی مصر و جهان اسلام ایفا کرده است . از جمله اینکه از فراز منبر همین مسجد ، عبدالناصر ملی شدن کانال سوئز را اعلام کرد.

تشکیلات مذهبی

در مصر دهها هزار مسجد و زاویه وجود دارد که اغلب قریب به اتفاق آنها دولتی و زیر نظر وزارت اوقاف است. دولت از این طریق یعنی وزارت اوقاف، بدنبال هماهنگ نمودن فعالیتهای مذهبی و سیاستهای خود ، توسط اشخاصی است که بعنوان امام جماعت در این مساجد می گمارد. وزارت اوقاف و الازهر بررسی کتب مذهبی ، نظارت بر مجامع و سمینارهای اسلامی ، کنترل نظام آموزشی و آموزشهای مذهبی در مدارس غیر دولتی ، انجام پژوهشهای اسلامی و قرآنی ، ارائه آموزشهای تبلیغی مذهبی به افراد مختلف، انتشار کتاب و نشریات مذهبی ، بررسی فعالیتهای مختلف فرهنگی و هنری و تطبیق با ارزشهای اسلامی ، برگزاری مسابقات بین المللی قرائت قرآن و مطالعه و تحقیق د رزمینه وضعیت زندگی و مسائل مسلمانان را زیر نظر دارند.

اوضاع اجتماعی، فرهنگی و آموزشی

سیر تحولات فرهنگی

از آنجایی که اسلام از دروازه مصر وارد آفریقا شده ، لذا همواره آفریقای مسلمان از دریچه مصر به جهان اسلام می نگریسته و در طول تاریخ اسلامی ، مصر جوامع اسلامی آفریقای را تغذیه نموده است .

نظر به توانمندیها و امکانات مصر در گذشته و حال ، همیشه این کشور تغذیه کننده عمده تفکرات مذهبی جهان اهل سنت بوده و بسیاری از علمای برجسته اهل سنت که در کشورهای اسلامی مشغول تبلیغ می باشند یا مصری هستند و یا فارغ التحصیل دانشگاه الازهر می باشند.

بالا بودن سطح علمی در مصر این امکان را به آن کشور می دهد که دراین زمینه قوی تر عمل کند . وجود اندیشه های گوناگون در این سرزمین یکی از عوامل موثر در این رابطه می باشد. درطول زمان چهره های بارز ادبی، فرهنگی ، تاریخی و سیاسی متعددی در این کشور رشد کردند. ادبیات جدید عرب شدیدا تحت تاثیر آثار ادبای مصری است و علت آن هم این است که مصریها در احیای میراث فرهنگی عرب پیشتازبوده اند. مصریها در نویسندگی و پیشرفت زبان عربی نو که می تواند فرهنگ معاصر را در برداشته و هماهنگ با فرهنگهای پیشرفته باشد، جلو دار بوده اند و در حال حاضر بسیاری از بهترین نویسندگان داستان نویسان عرب از مصریان هستند.

در قرون معاصر، مصر ظهور اندیشه های نوین اسلامی و عربی بوده است . بخش عمده ای از موفقیتهای سید جمال الدین اسد آبادی ، بنیانگذاراصلاح گرایی نوین در اندیشه سیاسی عرب در دوران اقامت او در قاهره حاصل شده است و پس از او رشید رضا و محمد عبده[1] در صحنه مصر حضور داشته اند . همچنین باید به برخی دیگر از اندیشمندان اسلامی از جمله سید قطب و حسن البناء[2]اشاره نمود. از دهه ۱۳۳۰ کتابهای سید قطب در ایران مورد استقبال قشرهای تحصیلکرده قرار گرفت. از اندیشمندان مسلمان لیبرال نیز می توان به عباس عقاد[3] که گرایش بسیاری به شیعه داشت و طه حسین[4] اشاره کرد . هسته نخستین اخوان المسلمین که مهمترین گروه سیاسی اسلامی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی گسترش داد. در حال حاضر ستون فقرات غالب جنبشهای اسلامی در جهان ، بویژه در آفریقا را اخوان یا اخوانیهای سابق تشکیل میدهدند . رهبران اصلی دو گروه جهاد و جماعت اسلامی از اعضای سابق جنبش اخوان المسلمین می باشند. به رغم تفاوت دیدگاه شاخه های مختلف اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی، می توان تاکید کرد که همچنان مصر مرکز اصلی و موثر تصمیم گیری ایشان است.

تاثیر و تاثر فرهنگها

فرهنگ اسلامی مصر بی تاثیر از فرهنگ شیعی نیست. حضور حدود ۵۰۰ ساله فاطمیان در آن دیار موجب شده است تا فرهنگ شیعی در آن جا نضج گرفته و منتشر شود. اگر چه از زمانی که صلاح الدین ایوبی برآن شد تا آثار مذهب شیعه را در مصر محو نماید ، شیعیان در اقلیت قرار گرفتند ، لیکن مصریها کماکان به اهل بیت پیامبر و امامان شیعه عشق می ورزند و این علاقه با نظر به زیارتگاهها در مصر و حضور فشرده و گسترده مردم در آنها، بخصوص در ماه مبارک رمضان و ایام ولادت این بزرگواران، کاملا مشهود است که خود نشانه ای از تبلور فرهنگ شیعی در ساختار شخصیت انسان مصری است.

نقش مذهب در تحولات اجتماعی و فرهنگی

---

[1] . Mohammad Abdo
[2] . Hassanelbana
[3] . Abbas Aghad
[4] . Taha Hossain

اسلام با مردم مصر پیوندی تاریخی و فرهنگی دارد و اساس هویت فرهنگی آن را تشکیل می دهد . چهره فرهنگ اسلامی د رمظاهر گوناگون متجلی است . رعایت سنن اسلامی در احوال شخصیه ، منزلت برجسته روحانیون و شخصیتهای مذهبی مصر، اهمیت دادن به قرائت قرآن ، و .... نشان دهنده این امر می باشد. (شایان ذکر است که مشهورترین قاریان قرآن د رجهان اسلام مصریها می باشند)

آداب و رسوم

آداب و رسوم در مصرمانند دیگر جوامع مسلمان و کشورهای شمال آفریقا، نشات گرفته ازمذهب است. در حال حاضر در مصر شاهد نمادهای فراوانی از امتزاج میان رسوم مذهب شافعی وابسته به اهل سنت و آداب گسترش یافته توسط دولت فاطمی یا گرایش شیعی می باشیم که در عمق و بافت اجتماعی مردم این کشور تجلی یافته است.

نقش زن در جامعه

تعداد زنان شاغل د ربخش دولتی در سال ۲۰۰۰ ، یک میلیون و ۳۳۵ هزار نفر اعلام شده است که ۳۱٪ کارمندان دولت را تشکیل می دهند. اما این مشارکت در کل نیروی کار بالای ۱۵ سال به ۲۲٪ می رسد . ۴۱٪ از زنان در بخش کشاورزی فعالیت می کنند که این رقم در مناطق کشاورزی و روستایی به ۶۷٪ هم می رسد . بدنبال آن بخش آموزش ، بهداشت و خدمات اجتماعی است که رقم حضور زنان در مناطق روستایی به ۴۱٪ و در مناطق شهری به ۶۹٪ می رسد. اما حضور زنان در مجلس ، علیرغم اینکه مصر جزء اولین کشورهایی بوده است که در سال ۱۹۵۶ به زن حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داده است ولی از کمترین مشارکت زنان در میان کشورها در مجالس برخوردار می باشد و در طول این نیم قرن تعداد زنان نماینده ۱۳۷ نفر در مقابل ۳۶۱۸ نفریعنی حدود ۶/۳٪ بوده است.

سطح علمی و فرهنگی

مصر از کهن ترین مناطق مسکونی جهان بوده و آثار علمی و فرهنگی مربوط به دوران قدیم در آن فراوان یافت می شود. حدود ۳۰ قرن پیش از میلاد مهاجران آسیایی همراه خود گیاهان و جانوران اهلی و اصول و روشهای فنی عصر نو سنگی را وارد سرزمین شمالی مصر سفلی نمودند. اندکی بعد در مصر علیا(جنوبی) یکنوع تمدن ساده و بسیط بوجود آمد. آثار تاریخی فرهنگی نشان می دهد که فراعنه مصر که ازرمانهای بسیار دور در آن سرزمین می زیسته اند، از نوعی تمدن برخوردار بوده اند . از آن جمله می توان به آثار باستانی و تاریخی مصر و شهر فسطاط [1](اسکندریه قدیم) اشاره نمود. این آثار مربوط به دوران قبل از اسلام است . دوره اسلامی و خصوصا زمان حکومت فاطمیون دوران رشد و شکوفایی هنر و فرهنگ جامعه مصری بوده است . در آن زمان بازارهای بین المللی در شهرهای نوبنیاد اسکندریه و قاهره بوجود آمد و محل رفت و آمد تجار خارجی گردید که تبادل هنری و فرهنگی بسیاری به همراه داشت.

درهمان زمانها موسسه الازهر تاسیس گردید که خود در شکوفا نمودن علم و فرهنگ اسلامی همت گمارده و نقش بسزایی ایفا نموده است . در حال حاضر مسئولیت حفظ میراث فرهنگی به عهده وزارت جهانگردی می باشد و اداره میراث فرهنگی که وابسته به این وزارت است ، با اجرای طرحهای مختلفی ، حفاظت آثار باستانی و تاریخی و ارائه آن به جهانگردان را بر عهده دارد. اما از سوی دیگر هر چند که مجامع علمی بسیاری در این کشور وجود دارد، لیکن درصد بالای بیسوادی در این کشور دلیلی بر عقب افتادگی جامعه و تاثیر فقر بر سطح علمی و فرهنگی آن کشور می باشد.

---

[1]- Fostat

نظام آموزشی

بر اساس ماده ۲۰ قانون اساسی مصر تحصیلات در موسسات آموزشی دولتی در تمام سطوح مجانی است.

وزارت آموزش و پرورش مسئول امور آموزش در سطوح مختلف تعلیمی اعم از مدارس و دبیرستانها می باشد. همچنین مدارس و موسسات آموزشی خصوصی نیز زیر نظر وزارت آموزش و پرورش اجازه کار دارند. نظام آموزشی به سه مقطع ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه تقسیم شده و بعد از آن دوره عالی شروع می شود.

مدت تحصیل در دوره ابتدایی ۵ سال است که از سن ۶ الی ۸ سالگی شروع می شود و قبول شدگان به مدارس راهنمایی راه می یابند. تعداد دانش آموزان در مقطع ابتدایی بر اساس آمار و ارقام موسسه الاهرام در سال ۱۹۹۲ ، ۶/۱۶ میلیون نفر بود که این تعداد در ۱۴۷۶۸ مدرسه ابتدایی تحصیل می کردند.

آموزش در دوره راهنمایی ۳ سال است . در این دوره دانش آموزان آموزشهای اساسی و عمومی را فرا می گیرند. تعداد مدارس راهنمایی در سال ۱۹۹۲ براساس داده های همان موسسه ۵۷۴۶ باب بود که ۴/۴۳ میلیون نفر دانش آموز در این مدارس آموزش می دیدند . دوره دبیرستان نیز ۳ سال است . در این مقطع ، فارغ التحصیلان دوره راهنمایی آموزشهای حرفه ای ، تخصصی مانند زبان، صنعت ، تجارت و زراعت می آموزند که هر کدام از این رشته های درسی مدارسی جدا از هم دارد. طبق آمار سال ۲۰۰۰، تعداد دانش آموزان این کشور حدود ۱۵ میلیون و ۱۷۹ هزار نفر اعلام شد که حدود ۷ میلیون تن از آنها دختر می باشند تعداد معلمین هم حدود ۸۰۰ هزار نفر می باشند. اخیرا برخی از مدارس این کشور با امکانات جدیدی که در اختیارشان قرار گرفته ، توانسته اند از برنامه های بیش از ۱۰ کانال فضایی آموزشی ایجاد ، استفاده نمایند . نسبت دانش آموز پسران حدود ۵۲٪ و نسبت دختران حدود ۴۸٪ است.

معضل و مشکل دروس خصوصی از مهم ترین مسائل آموزش و پرورش مصر است تا جایی که باعث افت شدید تحصیلی د رمدارس بخصوص مدارس دولتی و رواج فراوان درس های خصوصی شده و اولیای دانش آموزان ، هزینه های بسیار سنگینی در این رابطه می پردازند و با توجه به عدم وجود کنکور ورودی دانشگاهها و معیار بودن نمرات دبیرستانی دانش آموزان جهت ورود به دانشگاه ، این معضل در سطوح دبیرستان شدت بیشتری می یابد.

دوره آموزش عالی در مصر دانشگاههای متعددی را بخود اختصاص داده است . در شهر قاهره دانشگاه الازهر ، دانشگاه قاهره وعین الشمس و در شهرهای اسکندریه واسیوط دانشگاههای اسکندریه و اسیوط از معروفترین دانشگاههای معتبر وقدیمی در این کشور می باشند . همچنین در مصر دانشکده ها و مراکز فنی و حرفه ای و موسسات آموزشی زیادی وجود دارد که دوره های حرفه ای و نیمه حرفه ای را در رشته های گوناگون عرضه می کنند.

تعداد دانشجویان این کشور (به جز دانشجویان الازهر) حدود یک میلیون نفر است . در سال ۹۹-۹۸ حدود ۴۶/۱٪ دانشجویان را دختران تشکیل می دادند، در حالیکه این رقم در سال ۹۰-۸۹ حدود ۳۵٪ بود.

تعداد اساتید دانشگاهها هم حدود ۳۰ هزار نفراست که ۳۰٪ آنها را زنان تشکیل می دهند.

مراکز فرهنگی

مصریکی از کشورهای دیدنی و تاریخی جهان است و جهانگردی و سیاحت یکی از مهمترین و شاید اولین منبع درآمد این کشور است که به گفته وزیر جهانگردی این کشور در نیمه بهمن ۱۳۷۹ ، این صنعت توانسته است ۲/۲ میلیون فرصت

شغلی مستقیم و غیر مستقیم ایجاد کند که حدود ۱۲/۶٪ حجم نیروی کار مصر است . در این کشور ، موزه ها ، کتابخانه ها و آثار دیدنی متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- موزه ملی مصر که در میدان تحریر[1] شهر قاهره واقع شده و درآن مجموعه آثار فراعنه، و حدود پانصد هزار قطعه از تاریخ مصر قدیم که قدمت آنهان به هزاران سال قبل بر می گردد، یافت می شود. این موزه در سال ۱۸۵۸ میلادی تاسیس شده است . جالب ترین بخش موزه، قسمت خاص نگهداری اجساد مومیایی شده فراعنه، از جمله جسد مومیایی شده منتسب به رامسیس دوم (فرعون زمان موسی(ع) می باشد. یکی دیگر از بخشهای دیدنی موزه، قسمتهای آثار و وسایل و طلاجات متعلق به توت آنخ همسر فرعون می باشد.

- موزه مصطفی کامل، واقع در میدان صلاح الدین.

- موزه بیت الامه ، در شهر قاهره در خیابان ضریح[2] سعد که در سال ۱۹۵۶ افتتاح گردید.

- موزه احمد شوقی، واقع در منطقه جیزه که یکی از قدیمی ترین موزه های مصر در زمینه امور کشاورزی می باشد.

- موزه جزیره (واقع در منطقه قاهره) ، که در سال ۱۹۵۷ تاسیس ویکی از موزه های فنی و بزرگ خارجی در خاورمیانه می باشد.

- موزه محمد محمود خلیل که تابلوهایی از هنرمندان مشهور فرانسوی از قرن ۱۹ میلادی در آن وجود دارد.

- موزه الحضاره[3] سعد که در سال ۱۹۵۶ افتتاح گردید.

- موزه جزیره (واقع در منطقه قاهره)

- موزه هنرهای معاصر در قاهره که در خیابان دقی[4] واقع شده و در سال ۱۹۶۷ افتتاح شده است در این موزه حدود ۱۰۲ هزار قطعه از آثار اسلامی قدیم از نقاط مختلف جهان نگهداری می شود که بسیاری از آنها ایرانی است.

- موزه سلاح: این موزه در مجموعه قصر تاریخی عابدین قرار دارد که شامل تاریخ سلاح انواع آنها از قدیم تا نسل جدید و مدرن است. در این موزه تعداد زیادی سلاح سرد تاریخی و قدیمی ایرانی وجود دارد

- موزه قرآن : در این موزه انواع مختلف قرآن مجید از جمله تعدادی قرآن خطی حفظ و نگهداری می شود.

- موزه بحری(دریایی) : قدمت این موزه که در اسکندریه و در قلعه تاریخی قایتبای[5] واقع شده به ۱۵۰۰ سال قبل می رسد این قلعه در سال ۱۴۷۹ بنا شده که مناره آن (موسوم به فانوس دریایی اسکندریه) یکی از عجایب هفتگانه جهان بشمار می رفته است. موزه در سال ۱۹۶۶ بعلت تخریب توسط زلزله ، بازسازی گردیده است.

- موزه اسوان که دراین شهر واقع شده و مجموعه ای از آثار تاریخی را دارا می باشد .

دولت مصر سعی دارد تا صنعت توریسم را به یکی از منابع مهم درآمد ارزی تبدیل نماید . تعداد جهانگردانی که در سال ۱۹۹۱ از آثار باستانی و فرهنگی مصر دیدن کرده اند ۲/۸ میلیون نفر بوده است . که این تعداد در سال ۹۹-۹۸ به ۳/۴۲ میلیون نفر رسید ولی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و جنگ آمریکا بر علیه تروریسم و بخصوص افغانستان ، ضرر و زیان مالی فراوانی به این صنعت در مصر وارد ساخت که تا ۲ میلیارد دلار اعلام شده است لذا بخش عمده ای از اقتصاد مصربه

---

[1]. Tahrir
[2]. Zarihe Saad
[3]. Elhezare
[4]. Dokki
[5]. Ghietbay

جهانگردی بستگی دارد و درآمد ارزی حاصله از صنعت توریسم برای دولت مصر قابل ملاحظه و ازاهمیت بالایی برخوردار است.

حکومت ، سازمانهای اداری و سیاسی

مختصری از تاریخ کشور تا زمان معاصر

مصر بعنوان منطقه ای که قدیمی ترین تحولات تمدن و حکومت سازمان یافته در آن اتفاق افتاده از جایگاه ویژه ای در جهان برخوردار است. هر چند که تعدادی از باستان شناسان کاملا موافق این نظریه نیستند که مصر اولین کشور متمدن بوده ، ولی شکی وجود ندارد که در زمانهای دیرین ، رود نیل علیا بعنوان یک بخش بارز، قوی و برجسته در شیوه زندگی با تخصص بال نقش داشته است . امپراطوریهایی که با مرزهای متغیر و ترکیبهای نژادی مختلف در سرزمینهای اطراف مصر ظهور کرده اند، اما این گونه بنظر می رسد که مصر با امکاناتی که جهت جذب مهاجران و نیز افکار خارجی داشته ، قادر بوده است که از میان اشغال و شکست نظامی تقریبا بدون تغییر بیرون آید ، فرهنگ خود را حفظ کرده و نهایتا حکومت و نفوذ خارجی را نپذیرد.

برخورداری مصر از رود نیل و تجمع مراکز انسانی در کنار این رود خانه نقش مهمی در تشکیل تمدن اولیه در این منطقه داشته است بگونه ای که بگفته هیرودت مورخ قدیم یونانی : « مصر هدیه نیل است» . جمعیت قابل توجه و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی مردم مصر با تمدنهای اطراف ، موجب رشد هر چه بیشتر آنان و ایجاد یک نیروی انسانی کار ازموده و کار آمد (البته در اطراف رود نیل) گردیده است. هم اکنون نیز می توان گفت مصر چیزی جز شهرهای اطراف نیل نمی باشد . و تقریبا مابقی مساحت مصر را صحاری و بیابان های غیر قابل سکونت تشکیل می دهد.

اگر تمدن را به معنای دستاوردهای مادی و فرهنگ را به معنای دستاوردهای معنوی یک ملت فرض کنیم با توجه به تاثیر و تاثری که این دو عامل نسبت به یکدیگر دارند باید بگوییم که سابقه وجود تمدن درمصر کمک فراوانی به گسترش و تقویت فرهنگ و دستاوردهای معنوی جامعه مصر داشته و به رغم نوسانات و تحولات مختلف سیاسی – اجتماعی مصر، اثرات این پیشرفت فرهنگی تاکنون نیز به قوت خود باقی مانده است. مراکز فرهنگی نمونه جهان اسلام و عرب که دراین کشور قرار دارند خود دلیل روشنی بر برتری فرهنگی مصر بر سایر اعراب می باشد.

درزمان فعلی نیز غالب شخصیتهای برجسته جهان عرب بویژه علمای آن، یا فارغ التحصیل دانشگاههای مصر هستند و یا خود مصری هستند . همچنین بسیاری از کارشناسان مصری هم اکنون در زمینه های آموزش دانشگاهی ، طرح و توسعه آموزش نظامی و .... درکشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهای آفریقایی مشغول بکار می باشند.

تشکیل حکومت و تحولات آن

مصر سفلی (شمالی) در سال ۴۵۰۰ قبل از میلاد دارای حکومت واحدی گردید و تقریبا ۲۵۰ سال بعد ، مصر علیا(جنوبی) را مسخر ساخت. غلبه مصریان شمالی بر جنوبی ها چندان دوام نیافت و د رحدود ۴ هزار سال قبل از میلاد ، آن دو ناحیه مجددا از یکدیگر مجزا و هر کدام برای خود مستقل شدند. از این تاریخ تا آغاز دوره سلسله پادشاهان مصر یعنی سال ۳۳۰۰ قبل از میلاد درباره تمدنهای بزرگ دلتای مصر اطلاع قابل توجهی در دست نیست.

در طول این صدها سال اساس تمدن بزرگ مصر پی ریزی شده است. بطور کلی تاریخ قدیم مصر به دوعصر اساسی تقسیم می شود : عصر فرعونی که سه هزار سال کشید و عصر یونانی – رومانی که حدود هزار سال طول کشیده است. « مانیتون» مورخ قدیم مصری ، تاریخ فرعونی را به سی خانواده تقسیم کرده است که البته در قدرت و ضعف با هم متفاوت بوده اند. برخی تاریخ نگاران تاریخ فرعونی را به بخش دولت قدیم، دولت میانی و دولت جدید تقسیم کرده اند که هرکدام چند خانواده را در بر می گیرد. در سال ۳۳۰۰ قبل از میلاد هر یک از دو قسمت مصر بطور مستقل برای خود پادشاه و دربار جداگانه ای داشتند. در سال ۳۲۰۰ (قبل از میلاد) « منس»[1]پادشاه مصر علیا پس از غلبه بر مصر سفلی آن دو پادشاهی را متحد ساخت و اولین فرعون مصر گردید و بدین ترتیب پادشاهی «تین»[2]بوجود آمد. وی شهری را در نزدیکی راس دلتای نیل ایجاد کرد که بعدا بنام « ممفیس» یا «منف» خوانده شد. پس از فروپاشی این سلسله ، پادشاهی «کهن»[3]یا «عصر عتیق» روی کار آمد. در دوره پادشاهی کهن(خانواده های سوم تا ششم فراعنه) بود که اهرام ثلاثه در ناحیه جیزه برای خوفو (فرعون آن زمان) و سپس اهرام خفرع و منقرع ساخته شد . طی قرون ۲۲ تا ۱۸پیش از میلاد تجارت در مصر رونق بسیار یافت. سلسله های اول و دوم (پادشاهی تین) و سلسله های سوم تا ششم (پادشاهی کهن) ، و طی سالهای ۲۲۴۲ تا ۱۵۸۰ قبل از میلاد سلسله های هفتم تا هفدهم (۹ سلسله) با ۷۰ پادشاه به ترتیب بر مصر حکومت کردند. در زمان پادشاهی فرعون آمنوفیس[1] سوم که یکی از مقتدرترین و مستبد ترین فرمانروایان سلسله هجدهم (۱۳۲۰–۱۵۸۰قبل از میلاد) پادشاهان مصر بود، نیروی نظامی کشور توسعه و تکامل یافت و مصر برای نخستین با در تاریخ خود در شمار قدرتهای سیاسی بزرگ دنیای آن روز قرارگرفت. در سال ۱۴۶۸ قبل از میلاد سوریه و قسمتهایی از بین النهرین ضمیمه قلمرو حکومتی مصر شد. در سالهای مدیدی از قرن سیزدهم پیش از میلاد یکی از مهمترین فراعنه مصر یعنی رامسس دوم حکومت می کرد.

در همان قرن حضرت موسی(ع) پیامبر عظیم الشان در مصر دعوی نبوت کرد . موسی و قومش (بنی اسرائیل) بر اثر آزار فراعنه مصر به فلسطین هجرت کردند. دوره آخر فراعنه و سلاطین مصر شامل سالهای ۱۰۸۵ تا ۳۴۱ قبل از میلاد مسیح است . دراین دوره ۱۰ سلسله (از بیست و یکم تا سی و یکم) با ۴۵ پادشاه بر مصر فرمانروایی کردند که شاهان سلسله بیست و هفتم(۵۲۵-۴۰۴پیش از میلاد) ایرانی بودند. تسلط ایران بر مصر در زمان کمبوجیه شاه هخامنشی (جانشین کوروش) صورت گرفت . در سال ۴۰۵ قبل از میلاد در مصر شورشی برپا شد و یکی از اعقاب فراعنه بنام (امیرته)[2] به حکومت رسید که در حقیقت بدینگونه مصراز خاک ایران جدا شد . در سال ۳۴۴ قبل از میلاد بار دیگر سپاهیان ایران در زمان حکومت اردشیر سوم مصر را تسخیر نمودند و بدین ترتیب دوره دوم تسلط ایران بر مصر آغاز گردید. هنگامیکه در دهه سی و چهارم پیش از میلاد ، اسکندربه آسیای غربی و متصرفات ایران حمله ور گردید، مصر را در سال ۳۲۲ قبل از میلاد ، فتح کرد و بدین ترتیب مصر بعنوان جزئی ازقلمرو مقدونیان درآمد. اسکندر در همان سال دستور شروع ساختمان شهر اسکندریه را داد . پس از مرگ اسکندر، در پی یک سلسله نزاع بین سرداران وی و در نتیجه تجزیه امپراطوری

---

[1]- Mance
[2]- Tin
[3]- Kohan
[1]. Amnofis
[2]. Amirteh

اسکندرسرانجام در سال ۳۰۴ پیش از میلاد بطلمیوس[1] اول یکی از سرداران وی خود را شاه مصر اعلام کرد و این آغاز سلسله بطالمه[2] در مصر است که تا سال ۳۰ قبل از میلاد دوام آورد. بطالمه سی و یکمین سلسله سلاطین قدیم مصر می باشند و پادشاهان آن جز کلیوپاترا[3] که آخرین آنان است ، نام یونانی پتولمایوس[4] که معرب آن بلطلمیوس است را بر خود داشتند. در زمان بطلمیوس دوم حبشه، عربستان، لیبی، قسمتهایی از سوریه و آسیای صغیر و جزایر دریای مدیترانه به خاک مصر ضمیمه شد و سواحل شرقی مدیترانه تحت سلطه این کشور درآمد. در دوره خردسالی بطلمیوس ششم اغتشاش بر کشور حاکم بود. در این دوره عده کثیری از یهودیان از فلسطین به مصر مهاجرت کردند. دوره سلطنت بطلمیوس هشتم دوره جنگ داخلی بود. در قرن اول پیش از میلاد مصر تحت نفوذ سیاسی روم قرار گرفت. سرانجام امپراطوری روم با پیروزی بر کلیوپاترا حاکم مصر در سال سی ام پیش از میلاد برمصر دست یافت واین سرزمین قسمتی از امپراطور روم گشت. سیطره دولت روم و (سپس روم شرقی) بر مصر ۶/۵ قرن بطول انجامید وکلیسای مسیحی قبطی در این زمان در مصر ظهور کرد. امپراطوران بیزانس[5] (روم شرقی) مصر را همانند مستعمره ای به وسیله ماموران رومی خود اداره می کردند.

در سال ۶۱۵ میلادی، خسرو پرویز شاه ایران قصد کرد تا مصر را تسخیر کند، سپاه ایران در سال ۶۱۶ میلادی به مصر وارد شد و تسلط کامل ایران بر مصر در سال ۶۱۹ حاصل گردید. سالهای اواسط نیمه اول قرن هفتم میلادی (برابر با اولین سالهای تاریخ هجری) دوره رشد نفوذ و بسط سرزمینهای قلمرو اسلامی بود. مصر در زمان خلافت عمر توسط عمرو عاص از دست ایران و یونان خارج شد و در سالهای ۱۹ تا۲۱ هجری قمری (۶۴۰ تا ۶۴۲ میلادی) به تصرف اعراب مسلمان درآمد.

مصر در دوران حکومت امویان و اوایل حکومت عباسیان توسط والیان اداره می شد . در سال ۲۵۴ هجری قمری (۸۶۸ میلادی) اولین سلسله مستقل حکام وامرای مسلمان مصر و نخستین سلسله فرمانروایان مصر بنیان گذاشته شد . این سلسله منصوب به غلامی است بنام طولون که دربار مامون مکانی والا داشت. پسر این غلام بنام احمد از جانب معتز[6] سیزدهمین حاکم عباسی در مصر ماموریت یافت . وی در سال ۲۵۴ هجری قمری وارد شهر فسطاط شده و سلسله طولونیان را تاسیس کرد. بعد از طولونیان ، مجدداً عباسیان بر مصر حکومت کردند که به سلسله آخشیدیه (آل اخشید) معروف بودند.

در زمان آخرین پادشاه آخشید و بدلیل ضعف بسیار وی ، در سال ۸۸۲م مصر و شام بدست خلفای فاطمی افتاد و بدین ترتیب سلسله آخشید منقرض شد. قاهره پایتخت مصر در زمان فاطمیان بنا نهاده شده است . در دوره خلافت فاطمیان در مصر عنوان وزیر بوجود آمد. پس از معز[7] فاطمی در سال ۳۶۵ هجری قمری (۹۷۶ میلادی) پسرش عزیزبه خلافت نشست. دوره خلافت آرام وی عصر طلایی حکومت فاطمیان بود. پس از او پسرش حاکم در سن یازده سالگی به خلافت رسید (۳۸۶هجری قمری). وی سیاست شدیدی را برضد پیروان سایر ادیان در پیش گرفت و در سال ۴۰۸ هجری قمری ادعای الوهیت کرد و این امر منشاء پیدایش فرقه درزیه شد.

. Batlamiyoys
. Batalemeh
. Kelopatr
. Petolmayos
. Bizanse
. Moutaz
. Moez

بعداز انقراض فاطمیان در ۱۷۱۱ م ، سلسله ایوبیان وممالیک بر مصر حکومت کردند. در اواسط قرن هفتم هجری احمد بن ظاهر سی و پنجمین خلیفه عباسی که به مصر پناه آورده بود، توسط ممالیک وقت مصر لقب خلیفه یافت(۶۵۹ هجری) و مستنصر[1] نامیده شد. پس از آن به مدت دو قرن و نیم سلسله عباسی مصر تحت فرمان و نظارت ممالیک اسما در قاهره خلافت کردند و سلاطین مملوکی از آنان بعنوان سلاحی دینی برای جهاد بر ضد صلیبیون و جنگ با مغولان استفاده می کردند و تعداد خلفای عباسی مصر هفده تن بود که طی سالهای ۹۲۳-۶۵۹هجری قمری اسماً خلافت کردند، عاقبت سلطان سلیم اول (نهمین خلیفه عثمانی)بعد از استیلا بر شام و مصر و منقرض نمودن ممالیک ، متوکل سوم آخرین خلیفه عباسی مصر را نیز خلع کرد و بدین ترتیب خلافت عباسیان مصر برافتاد(۹۲۳ هجری قمری۱۵۱۷ م) . حکومت مستقیم عثمانیان بر مصر ۲/۵ قرن بطول انجامید وعمدتا بدست والیان یا بیگ ها (بک ها)ی ترک بود.

در زمان عثمانیان وضع اداری مصر تغییراتی یافت و اقتصاد آن دچار تحولاتی گردید. در سال ۱۷۶۷ م ،علی بیگ مصر را از تصرف امپراطوری عثمانی خارج ساخت و در آنجا یک حکومت خود مختار تشکیل داد. در اواخر قرن هیجدهم میلادی ناپلئون در فرانسه روی کار آمد، وی برای آنکه مقدمات تسلط فرانسه بر مستعمرات انگلستان را فراهم آورد، دست به کار اشغال نقاط سوق الجیشی جهان شد و در اولین قدم در سال ۱۷۸۹ م، مصر و سپس سوریه را متصرف گردید که در عکس العمل نسبت به آن اتحادی موقت میان انگلستان و عثمانی و حتی روسیه و عثمانی بر ضد فرانسه بوجود آمد. ناپلئون در مصر به فکر احداث کانالی افتاد که مدیترانه را به دریای سرخ مرتبط سازد؛ اما در این کار موفق نشد. همانطور که پیشینیان نیز چندین با دست به چنین کاری زده و توفیقی بدست نیاورده بودند، در سال ۱۸۰۲ م، سرانجام قوای مشترک عثمانی و نگلیس به مصر تاختند و آنرا از دست فرانسویان بیرون آوردند. دولت عثمانی در سال ۱۸۰۵ م . نواحی وسیعی شامل مصر و اطراف آنرا به یک سردار آلبانیایی ارتش عثمانی بنام محمد علی سپرد، و وی با عنوان پاشا حکومت مستقل مصر از عثمانی را پایه گذاری کرد که سرآغازی بر حکومت خدیو[2]های مصر بود که تا سال ۱۹۵۲ م، به طول انجامید. از آخرین شاهان عثمانی نسب ملک فاروق بود که در زمان او تنش های زیادی با انگلیسی ها بوسیله حزب وفد بوجود آمد. این دوران مصادف با رشد کامل نهضت صهیونیستی در فلسطین بود پس از تشکیل دولت یهود در سال ۱۹۴۸ م، در فلسطین اشغالی ، مصر همگام با دیگر کشورهای عربی به جنگ با اسرائیل پرداخته و توانستند مناطق خارج از نظارت صهیونیستها راتصرف کنند. اسرائیلیها نیز به قوای اعراب حمله برده و توانستند به داخل خاک مصر و لبنان نفوذ کنند و مناطق زیادی را اشغال نمایند . جنگ سرانجام در هفتم ژانویه ۱۹۴۹ خاتمه یافت و چند روز بعد قوای اسرائیل از مصر عقب نشینی کردند. در ۲۴ فوریه همان سال معاهده ترک مخاصمه میان مصر و اسرائیل منعقد شد که سایر کشورهای عربی نیز به آن موافقت کردند که بر اساس آن قسمتی از غرب فلسطین (نوارغزه) به حاکمیت مصر درآمد.

جنگ توام با شکست در فلسطین و بدبین شدن مردم به ملک فاروق اوضاع را در داخل مصر متزلزل کرد تا سرانجام در سال ۱۹۵۲ یک کودتای انقلابی نظامی به رهبری سرلشکر محمد نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر روی داد و فاروق به ناچار استعفا کرد (۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲) رهبران کودتا پسر خردسال فاروق بنام احمد فواد رابا عنوان فاروق دوم به سلطنت نشاندند. اما در ژوئن ۱۹۵۳ مصر کشور جمهوری اعلام شد و فاروق و خاندانش تبعید شدند. اولین رئیس جمهور مصر

---

[1]. Mostansar
[2]. Kadiv

ژنرال محمد نجیب بود که دو سال بعد (۱۹۵۴م) توسط سرهنگ جمال عبدالناصر برکنار شد . ناصر که معتقد به انترناسیونالیسم عربی و اتحاد میان آن کشورها بود تا زمان مرگش یعنی تقریبا۱۶ سال رئیس جمهور باقی ماند. ناصر در ژوئیه ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد و یک سازمان مصری برای ادراه آن بوجود آورد.

بدنبال این اقدام ، دولت اسرائیل همراه با قوای انگلیس و فرانسه در اکتبر ۱۹۵۶ به خاک مصر در شبه جزیره سینا حمله بردند تا خلیج عقبه را برروی کشتیهای اسرائیلی باز کنند . با پیاده شدن چتر بازان انگلیسی وفرانسوی و بدنبال یک رشته جنگهای شدید (خصوصا مقاومت مردم شهر پورت سعید)، سرتاسر شبه جزیره سینا به تصرف آنان درآمد، ولی پس از تهدید شوروی به مداخله نظامی ، سه کشور متجاوز به آتش بس گردن نهادند و در مارس سال ۱۹۵۷ با فشار شدید سازمان ملل متحد از آنجا خارج شدند . این جنگ در حقیقت دومین جنگ اعراب و اسرائیل بود. در سال ۱۹۵۷ دولت ناصر تمام داراییهای دول غربی در مصر را ملی اعلام نمود و کانال سوئز نیز در آوریل همان سال بازگشایی شد. سرانجام سومین جنگ اعراب و اسرائیل بدنبال تجاوز هواپیماهای اسرائیلی به سوریه و ورود سربازان اسرائیلی به شبه جزیره سینا در پنجم ژوئن ۱۹۶۷ آغاز شد و هواپیمایهای اسرائیلی با حمله به فرودگاههای کشور های عربی اکثر هواپیماهای آنان را درروز اول جنگ از بین بردند . در عرض چند روز نیز سرتاسر صحرای سینا و تمام طول شرقی کانال سوئز و ارتفاعات جولان در سوریه و نواحی غربی رود اردن و همچنین بیت المقدس توسط نیروهای اسرائیلی اشغال شد. اعراب پس از این شکست مجبور به متارکه شدند و جنگ با پیروزی اسرائیل (که از کمک عمده آمریکا برخوردار بود) پایان گرفت. در سال ۱۹۷۰م . ناصر بدنبال سکته قلبی درگذشت و محمد انور سادات معاون وی برای یک دوره شش ساله به ریاست جمهوری رسید . سادات پس از رسیدن به قدرت بتدریج از مواضع انقلابی ناصر دور شد و راه سازشکاری را در پیش گرفت.

در روز ششم اکتبر (رمضان ۱۳۹۳ قمری)، ارتش مصر با یک حمله غیر مترقبه وحفر نقب در زیر کانال سوئز ،ناگهان به نیروهای اسرائیلی واقع در آن سمت کانال حمله برده و پس از شکستن خط دفاعی ومستحکم (بارلو)[1] وارد صحرای سینا شد و نیروهای سوری نیز ارتفاعات جولان را به تصرف خود در آوردند. موشکهای روسی سام در جریان این جنگ تعداد زیادی از هواپیماهای اسرائیلی را نابود کردند، ولی با کمکهای سریع آمریکا به اسرائیل موضع آن کشور تقویت شده و اکثر پیروزیهای بدست آمده از بین رفت. سرانجام با دخالت آمریکا و شوروی جنگ متوقف شد و حل اختلاف بر عهده سازمان ملل قرار گرفت.

این جنگ به رغم شکست نهایی مصر، در واقع پیروزی نظامی عظیمی محسوب می گشت. زیرا افسانه شکست ناپذیری ارتش اسرائیل را درهم شکست . سرانجام هشت سال پس از جنگ ۱۹۶۷ مجددا در سال ۱۹۷۵ کانال سوئز گشوده شد واولین کشتی که ازآن عبور کرد متعلق به نیروی دریایی ایران بود. (زیرا که رژیم سابق ایران جهت بازسازی کانال مقادیرفراوانی وام به مصر پرداخت کرد).

سادات پس از جنگ ۱۹۷۳ ، بتدریج به سمت غرب متمایل شد و در سال ۱۹۷۶ قرارداد دوستی مصر و شوروی را لغو کرد. روابط وی با لیبی نیز رو به تیرگی نهاد. سادات در سال ۱۹۷۷ در میان شگفتی فراوان مردم مصر و جهان عرب، به اسرائیل مسافرت نمود و با این کار خود عملا اسرائیل را به رسمیت شناخت. ادامه این حرکات وی منجر به امضای پیمان صلح بین مصر و اسرائیل ، معروف به قرارداد کمپ دیوید گردید و سادات بطور یکجانبه و در خاک آمریکا این قرارداد را با مناخم

---

[1]-Barlo

بگین نخست وزیر اسرائیل و در حضور کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا امضاء نمود. این عمل خشم کشورهای عربی و مسلمان را برانگیخت و بیشتر کشورهای عربی رابطه خود را با مصر قطع و یا به حال تعلیق در آورند. بر طبق این قرارداد توافق شده بود که اسرائیل اراضی اشغالی شبه جزیره سینا را طی سه سال و سه مرحله (۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و۱۹۸۲) به مصر واگذار کند (که این مرحله انجام پذیرفت) و در عوض مورد شناسایی قرار گرفته و با وی ترک مخاصمه انجام گردد.

سادات از سال ۱۹۷۸ اقدام به جانشینی سلاحهای آمریکایی به جای انواع روسی آن نمود و در سال ۱۹۸۰ خود را رئیس جمهور مادام العمر مصر اعلام کرد . در همین سال نیز با اقتصادی فراوانی برای رژیم سودان و شورشیان هوادار حسن هابره[۲] در چاد ارسال کرد . بدنبال حمله عراق به ایران ، مصر کمکهای شایانی از نظر تسلیحاتی ونیرو به عراق نمود وتعداد زیادی از سربازان مصر در جنگ بدست قوای ایرانی به اسارت گرفته شدند.

تمامی این اقدامات سادات با مخالفت مردم کشور روبرو گشت. از این موج مخالفت و شورش و تظاهرات بصورت پراکنده ای در مصر آغاز شد و گروههای مخالف بر ضد وی اقداماتی انجام دادند.

سادات سرانجام در سپتامبر سال ۱۹۸۱ در جریان یک رژه نظامی با تیراندازی گروهی از نظامیان مصری در حال حرکت از مقابل جایگاه ، کشته شد. عامل اصلی این ترور ستوان خالد اسلامبولی منسوب به گروه اسلامی الجهاد بود که دستگیر و همراه با دیگردوستان خود اعدام گردید و بیش از سه هزار نفر دیگر به جرم مخالفت با دولت دستگیر و روانه زندان شدند .

از سال ۱۹۸۱ تاکنون نیز ریاست جمهوری مصر بعهده حسنی مبارک می باشد.

۲-Hasan Habreh